



اثر روش‌های مختلف خاکورزی و کنترل علف‌های هرز بر عملکرد پنبه (*Gossypium hirsutum* L.) در کشت دوم بعد گندم

محبوبه سردار^{۱*} - محمدعلی بهدانی^۲ - سید وحید اسلامی^۳ - سهراب محمودی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۳

چکیده

به منظور ارزیابی تأثیر استفاده توأم از روش‌های متفاوت خاکورزی و کنترل علف‌های هرز بر عملکرد پنبه، آزمایشی در سال ۱۳۹۱ در شهرستان بشرویه بصورت اسپلٹ پلات بر پایه طرح بلوک‌های کامل تصادفی به اجرا درآمد. فاکتورهای آزمایش شامل روش خاکورزی پنبه به عنوان فاکتور اصلی در ۳ سطح شامل: خاکورزی مرسوم (گاواهن برگردان دار)، بی‌خاکورزی و کم‌خاکورزی (چیزل + دیسک) و روش‌های کنترل علف‌های هرز در ۵ سطح (علف‌کش تری فلوکسی سولفورون سدیم به میزان ۱۰، ۱۵ و ۲۰ گرم در هکتار به همراه سیتوگیت دو در هزار، به همراه تیمارهای وجین و عدم کنترل علف‌های هرز) به عنوان فاکتور فرعی در ۴ تکرار انجام شد. نتایج نشان داد که بین روش‌های خاکورزی اختلاف معنی‌داری وجود داشت به طوری که عملکرد و ش، طول شاخه رویا، تعداد شاخه رویا و زایا، ارتفاع بوته و تعداد قوزه در سیستم کم‌خاکورزی و سیستم بی‌خاکورزی بیشتر از سیستم خاکورزی مرسوم بود. در بین دُزهای علف‌کش تری فلوکسی سولفورون، استفاده از دُز ۲۰ گرم در هکتار، با کنترل بهتر علف‌های هرز و حذف رقابت آن‌ها با پنبه، موجب بهبود صفات مورد بررسی من جمله عملکرد شد. اثر متقابل خاکورزی و کنترل علف‌های هرز بر تعداد شاخه رویا معنی‌دار بود. بیشترین تعداد شاخه رویا در تیمار کم‌خاکورزی و وجین علف‌های هرز مشاهده شد.

واژه‌های کلیدی: گیاه لیفی، خاکورزی حفاظتی، کشت مستقیم، وجین، انوک

مقدمه

کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها و نگرانی‌های محیطی در ارتباط با آلودگی آب و هزینه‌های عمومی انجام کار، نیاز به فناوری‌های جدید کشاورزی احساس می‌شود. سیستم خاکورزی حفاظتی شامل کم‌خاکورزی و بدون خاکورزی یکی از روش‌های مفید برای جلوگیری از این مشکلات می‌باشد (۲۷). نتایج تحقیقات مختلف مؤید این مطلب است که سیستم کم‌خاکورزی و بی‌خاکورزی در مقایسه با خاکورزی مرسوم (شخم برگردان دار) باعث صرفه‌جویی در هزینه، انرژی و وقت و همچنین افزایش ذخیره رطوبت و مواد آلی می‌شود (۲۰، ۲۱ و ۳۶). در خاکورزی مرسوم، بقایای محصول قبلی به زیر خاک برگردانده و یا سوزانده می‌شوند (۲۲) در حالی‌که در سیستم بی‌خاکورزی و کم‌خاکورزی، تمام یا بخشی از بقایا در سطح خاک باقی می‌ماند. کاداه در سال ۱۹۹۷ طی مطالعه‌ای بیان کرد که عملکرد پنبه کشت شده با کم‌خاکورزی نسبت به پنبه کشت شده در بی‌خاکورزی بالاتر بود (۲۴). رایب و همکاران (۳۴) گزارش کردند که عملکرد پنبه در سیستم کم‌خاکورزی در مقایسه با خاکورزی مرسوم بیشتر بود و در سیستم کم‌خاکورزی قابلیت دسترسی به فسفر و نیتراژ در سطح خاک افزایش یافت که با عملکرد بیشتر در سیستم خاکورزی مرتبط بود.

گیاهان لیفی از جمله پنبه (*Gossypium hirsutum* L.) از نظر ارزش و اهمیت برای انسان بعد از گیاهان تغذیه‌ای در درجه دوم قرار دارند و الیاف گیاهی با استفاده‌های گوناگون و گرانبهایی که دارند نسبت به الیاف حیوانی مثل پشم دارای ارزش بیشتری می‌باشند (۳). پنبه یکی از محصولات استراتژیک کشور بوده که در مناطق مختلف کشت می‌شود (۷). بر اساس اطلاعات موجود، حدود ۲۲/۵ میلیون تن از الیاف تولیدی جهان در سال ۲۰۰۸ میلادی، از پنبه استخراج شده است (۲۰). عملیات خاکورزی بخشی از عملیات زراعی است که به منظور آماده‌سازی خاک برای زراعت انجام می‌شود. حدود ۶۰ درصد از انرژی مکانیکی مورد مصرف در کشاورزی ماشینی، صرف عملیات خاک‌ورزی بستر می‌شود (۲۳). در واکنش به افزایش هزینه‌های سوخت‌های فسیلی، فرسایش گسترده خاک، استفاده فشرده از

۱، ۲، ۳ و ۴- به ترتیب دانش‌آموخته کارشناسی ارشد و دانشیاران گروه زراعت، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بیرجند

* - نویسنده مسئول: (Email: sardar_ma2012@yahoo.com)

(کم و بی خاکورزی) در منطقه بشرویه که پنبه جزو محصولات استراتژیک آن است این پژوهش با هدف بررسی تاثیر روش های مختلف خاکورزی و کنترل علف های هرز بر عملکرد پنبه مورد بررسی قرار گرفت.

مواد و روش ها

این آزمایش در سال ۱۳۹۱ در شهرستان بشرویه واقع در خراسان جنوبی انجام گرفت. شهرستان بشرویه با عرض جغرافیایی $33^{\circ}54'$ شمالی و طول جغرافیایی $57^{\circ}27'$ شرقی و ارتفاع ۸۸۵ متر از سطح دریا قرار گرفته است. آزمایش به صورت کرت های خرد شده بر پایه طرح بلوک های کامل تصادفی در ۴ تکرار انجام شد. فاکتور اصلی، روش خاکورزی در ۳ سطح شامل: خاکورزی مرسوم (شخم با گاواهن برگردان دار)، سیستم بی خاکورزی و کم خاکورزی (چیزل+دیسک) و فاکتور فرعی، روش های مختلف کنترل علف های هرز در ۵ سطح شامل: استفاده از علف کش اینوک به میزان ۱۰، ۱۵ و ۲۰ گرم در هکتار، به همراه تیمارهای وجین و عدم کنترل علف های هرز بود. در زمین محل اجرای طرح در سال قبل گندم کشت شده بود. میزان کود مورد نیاز بر اساس ۱۰۰ کیلوگرم نیتروژن و ۱۵۰ کیلوگرم فسفات آمونیوم در هکتار و با توجه به مساحت زمین زیر کاشت، ۲۵۰ کیلوگرم نیتروژن و ۳۰۰ کیلوگرم فسفات آمونیوم بود. کود نیتروژن بصورت سرک در ۴ مرحله (زمان کاشت، مراحل ۴-۶ برگی، شروع غنچه دهی و شروع گلدهی) و کود فسفات همزمان با کاشت مصرف شد. عملیات آماده سازی زمین در روش خاکورزی مرسوم پنبه، شامل: شخم با گاواهن برگردان دار، تسطیح و ایجاد جوی بود و تمام بقایای محصول قبل با خاک مخلوط شد. در سیستم بی خاکورزی، پس از برداشت گندم با کمباین، تمام بقایای گیاهی روی زمین رها شده بود و با استفاده از دستگاه کشت مخصوص بی خاکورزی (بذر کار کودکار نوتیلیج^۳) فرایند کاشت بذرها بلافاصله پس از برداشت گندم انجام گرفت. در سیستم کم خاکورزی نیز با استفاده از گاواهن های چیزل زمین شخم زده شد بطوری که ۳۰ درصد از بقایای گندم سال قبل روی سطح خاک باقی مانده و بقیه با خاک مخلوط، سپس فرایند کاشت با دستگاه ردیف کار انجام شد. طول کرت اصلی کاشت ۵ متر و عرض آن ۲۴/۵ متر بود و کرت های فرعی با طول ۵ متر و عرض ۴/۹ متر بصورت تصادفی در داخل کرت اصلی قرار گرفت. هر کرت آزمایشی فرعی شامل ۱۴ ردیف کاشت و با فاصله ۳۵ سانتی متر از یکدیگر و فاصله بین کرت ها نیز یک ردیف کاشت در نظر گرفته شد. در تمام کشت های پنبه در این شهرستان، بدلیل دماهای بسیار بالای روزانه در طی فصل رشدی پنبه و با هدف کاهش تبخیر آب از خاک، فواصل بین ردیف ها در کشت پنبه ۳۵ سانتی متر در نظر گرفته می شود.

بلاسی و راویندارن (۱۶) در آزمایش انواع خاکورزی که پنج سال بطول انجامید، مشاهده کردند که عملکرد پنبه در سه سال اول آزمایش در سیستم خاکورزی حفاظتی (کم و بی خاکورزی) به طور معنی داری بیشتر از خاکورزی مرسوم بود. سوزاندن مداوم بقایای محصول قبلی، کمبود مواد آلی خاک و کاهش حاصلخیزی خاک های زراعی را در پی خواهد داشت، این در حالی است که نقش کاه و کلش باقی مانده گیاهی را می توان به تامین مواد غذایی آزاد شده برای گیاه، کاهش تلفات آب خاک، تعدیل دمای خاک، کاهش اسیدیته خاک در قابل جذب نمودن برخی عناصر برای گیاه، افزایش ذخیره رطوبتی خاک، بهبود خواص فیزیکی و شیمیایی خاک و منبع انرژی برای فعالیت میکروارگانیسم ها با اهمیت دانست (۲۳). تداخل علف های هرز از جمله عوامل محدود کننده افزایش تولیدات کشاورزی در دنیا است که تلفات عملکرد بالایی را به بار می آورد (۱۳). امروزه کنترل علف های هرز جهت دستیابی به مدیریت کارآمد جزو اهداف کشاورزی نوین است (۴). وجود علف های هرز سبز در مزرعه پنبه در دوران رسیدگی محصول موجب کاهش کیفیت الیاف پنبه می گردد (۲). بدلیل طول دوره زندگی پنبه و حضور علف های هرز مختلف در طی رشد گیاه زراعی نیاز به کنترل علف های هرز به روشی کارآمد است (۷). در مدیریت مستقیم علف های هرز از روش های متعدد شیمیایی، فیزیکی و زیستی استفاده می شود (۲۶). استفاده از علف کش ها، مؤثرترین و گاه اقتصادی ترین روش مبارزه با علف های هرز می باشد. امروزه عملکرد بالای کشاورزی به شدت وابسته به علف کش ها است. به رغم مشکلات زیست محیطی که برای علف کش ها ذکر شده است، این ترکیبات هنوز هم از اجزای مهم مدیریت تلفیقی علف های هرز بشمار می روند (۵). تریفلوکسی سولفورون سدیم^۱ (با نام تجاری اینوک^۲) در ایران علف کشی جدید است که نتایج حاصله مبین تاثیر خوب آن در کنترل طیف وسیعی از علف های هرز پهن برگ، کشیده برگ و بویژه اویارسلام^۲ بوده است و هم اکنون در لیست علف کش ها به صورت ثبت موقت در آمده است (۷). مصرف این علف کش، بین مرحله دو تا هشت برگی پنبه توصیه شده اما در مرحله پنج تا هشت برگی بیشترین تاثیر را در کنترل علف های هرز داشته است (۱۷، ۱۸، ۳۰، ۳۱، ۳۲). اینوک در دوزهای مختلفی قابل توصیه است. در ایران میزان قابل توصیه این علف کش ۱۵ تا ۲۰ گرم تری فلوکسی سولفورون سدیم ۷۵٪ WG به همراه سیتوگیت دو در هزار در یک هکتار در مرحله ۵ تا ۸ برگی پنبه می باشد (۵). تری فلوکسی سولفورون سدیم به عنوان علف کش با مقدار مصرف پایین و ابزاری کارآمد در مدیریت کاهش سموم معرفی شده است (۱۷). با توجه به عدم وجود اطلاعات کافی در مورد مزایا و معایب خاکورزی حفاظتی

1- Trifloxysulfuron sodium
2- Cyperus Sp

3- No-tillage

خروس^۴، سوروف^۵، ارزن وحشی^۶ و پنجه مرغی^۷ بودند. اثر روش خاکورزی بر درصد کاهش تراکم کل علف های هرز در نمونه برداری ۱۵ و ۳۰ روز پس از سمپاشی معنی دار نشد اما تراکم اولی علف های هرز در سیستم های مختلف کشت، اختلاف معنی داری داشت (جدول ۱). بیشترین کاهش تراکم بعد از ۳۰ روز از سمپاشی نسبت به تراکم اولیه علف های هرز در خاکورزی مرسوم (۳۴/۰۸ درصد) بود و کم خاکورزی و بی خاکورزی در رتبه های بعدی قرار گرفتند اما تراکم اولیه علف های هرز قبل از سمپاشی در کم خاکورزی و بی خاکورزی نسبت به خاکورزی مرسوم کمتر بود و با کاهش تراکم، رقابت بر سر آب و منابع غذایی در ابتدای فصل کمتر بوده و پنبه در این دو سیستم از رشد بیشتری برخوردار بود. زمانی که خاکورزی در کشاورزی حفاظتی کاهش می یابد، عمق کاشت و نوع دستگاه کشت بذر، توزیع عمودی بذر علف های هرز را در پروفایل خاک تغییر می دهد (۱۹). علاوه بر کاهش ظهور علف هرز در کشاورزی حفاظتی، مقادیر بالایی از پسماندهای گیاهی محصول قبل ممکن است باعث تاخیر ظهور علف های هرز شود که پیامدهایی برای مدیریت علف های هرز دارد. از طرفی تاخیر در ظهور علف های هرز، به محصول زراعی فرصت رشد بیشتر و دستیابی به توان رقابتی بالاتر با علف هرز را می دهد و گیاهچه های علف های هرز تاثیر کمتری در کاهش عملکرد و تولید بذر دارند (۲۰).

بیشترین کاهش تراکم کل علف های هرز مربوط به تیمار وجین بدون علف هرز (۸۵ درصد) بود (جدول ۲). بین غلظت های مختلف علف کش، غلظت ۲۰ گرم انوک در هکتار موجب کاهش ۵۰/۴۲ درصدی علف های هرز شد. غلظت ۱۵ گرم در هکتار و ۱۰ گرم در هکتار با ۳۴/۶۴ درصد و ۱۹/۷۳ درصد کاهش تراکم، در رتبه های بعدی قرار گرفتند. در مورد علف کش های شاخ و برگ مصرف، افزایش تراکم علف های هرز میتواند بدلیل همپوشانی برگ های کانویی ها باعث بوجود آمدن مکانهای امن برای تک تک علف های هرز کوچکتر شود (۳۱). با توجه به مطالب ذکر شده و بدلیل وجود یک بانک بذر قوی و در نتیجه تراکم بالای علف های هرز در مزرعه ای که این آزمایش در آن انجام شد، کاهش کارایی علف کش مورد استفاده در غلظت های پایین، محتمل است.

برای هر کرت یک جوی آب و فاضلاب جداگانه در نظر گرفته شد. برای کاشت پنبه از رقم ورامین و به میزان ۳۰ کیلوگرم از بذر دلیتنه در هر هکتار استفاده شد. در هر سه سیستم خاکورزی، بلافاصله بعد از کشت، آبیاری اولیه صورت پذیرفت و در ابتدای فصل رشدی بر اساس عرف این منطقه، آبیاری با فواصل هر هشت روز یکبار، با شروع مرحله گلدهی گیاه با فواصل هر چهار روز و از ابتدای مرحله قوزه دهی تا پایان برداشت با همان فواصل هر هشت روز یک بار انجام گرفت. در مرحله ۲ تا ۴ برگی عملیات تنک صورت گرفت. با توجه به تراکم و سرعت رشد بالای علف های هرز مزرعه در مقایسه با بوته های پنبه، با رسیدن پنبه ها به مرحله پنج و شش برگی، سمپاشی کرت های آزمایشی با غلظت های مشخص شده علف کش تری فلوکسی سولفورون سدیم انجام پذیرفت. در طول فصل رشد مبارزه علیه آفات شته (*Aphis gossypii*)، تریپس (*Thrips flavus*)، عسلک (*Bemisia tabaci*) و سنک پنبه (*Oxycarenus hyalipennis*) با آفت کش های مناسب (متاسیستوکس و لاروین) انجام شد. با توجه به تراکم و سرعت رشد بالای علف های هرز مزرعه در مقایسه با بوته های پنبه، با رسیدن پنبه ها به مرحله پنج و شش برگی، سمپاشی کرت های آزمایشی با غلظت های مشخص شده علف کش تری فلوکسی سولفورون سدیم توسط سمپاش کتابی پشتی تلمبه از بغل و نازل تی جی با فشار دو بار و ۴۰۰ لیتر آب در هکتار انجام گرفت. شناسایی علف های هرز غالب در هر کرت و محاسبه تراکم آن ها با استفاده از نمونه گیری حاصل از دو کوآدرت ثابت ۵۰×۵۰ سانتی متری در بین دو پشته در هر کرت در قبل از سمپاشی (مرحله ۴ و ۵ برگی پنبه) و ۱۵ و ۳۰ روز پس از سمپاشی انجام گرفت. در زمان بازشدن قوزه و قبل از برداشت، ارزیابی کمی صفات پنبه شامل تعیین ارتفاع بوته، تعداد شاخه رویا و زایا، طول شاخه رویا، تعداد قوزه در هر بوته، وزن و ش هر قوزه با نمونه گیری از ۵ بوته در هر کرت و عملکرد و ش در هکتار با نمونه گیری سطحی به مساحت ۲/۵ متر مربع (۲۰ بوته) از محصول دو خط وسط با حذف نیم متر از ابتدا و انتهای هر کرت به عنوان حاشیه، در زمان برداشت محصول صورت گرفت. تجزیه آماری با استفاده از برنامه SAS و پیرایش هشت و مقایسه میانگین صفات مورد ارزیابی با آزمون LSD در سطح احتمال ۵ درصد انجام گردید.

نتایج و بحث

علف های هرز موجود در مزرعه ترکیبی از علف های هرز پهن برگ و باریک برگ، شامل سلمک^۱، خارشتر^۲، تلخه بیان^۳، تاج

4- *Amaranthus* sp
5- *Echinochloa crus gali*
6- *Setaria* spp.
7- *Cynodon dactylon*

1- *Chenopodium album*
2- *Alhagi alhagi*
3- *Acroptilon repens* L.

جدول ۱- مقایسه میانگین تراکم کل علف های هرز (باریک برگ و پهن برگ) در متر مربع در روش های مختلف خاکورزی

تراکم کل علف های هرز در متر مربع			
روش های خاکورزی	تراکم اولیه	۱۵ روز پس از سمپاشی	۳۰ روز پس از سمپاشی
خاکورزی مرسوم	۲۹/۸۴ a	۲۲/۴۹ a	۱۹/۶۷ a
کم خاکورزی	۲۳/۰۲ b	۲۰/۴ a	۱۸/۵۷ a
بی خاکورزی	۲۱/۷ b	۱۹/۹۸ b	۱۷/۴۸ a

در هر ستون میانگین های دارای حداقل یک حرف مشترک، بر اساس آزمون FLSD در سطح احتمال ۵ درصد تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند.

جدول ۲- مقایسه میانگین تراکم کل علف های هرز (بوته در متر مربع) در روش های مختلف کنترل

زمان نمونه برداری	۱۰ گرم انوک در هکتار	۱۵ گرم انوک در هکتار	۲۰ گرم انوک در هکتار	وجین	عدم کنترل
اولیه (قبل سمپاشی)	۲۰/۱۲b	۲۱/۵۶b	۲۲/۳۹b	۱۳c	۲۹/۱۱a
۱۵ روز پس از سمپاشی	۱۸/۵۳b	۱۶/۸۶b	۱۴/۹۱b	۲/۰۷c	۳۰/۹۱a
۳۰ روز پس از سمپاشی	۱۶/۵۰b	۱۴/۰۹b	۱۱/۱ b	۱/۹۵ c	۳۴/۲a

در هر ستون میانگین های دارای حداقل یک حرف مشترک، بر اساس آزمون FLSD در سطح احتمال ۵ درصد تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند.

معنی داری میان ارتفاع بوته ها مشاهده شد (جدول ۳). درصد افزایش ارتفاع بوته پنبه در تیمار وجین نسبت به تیمار عدم کنترل، ۱۳/۷۲ درصد برآورد شد که می توان به حذف رقابت علف های هرز با پنبه در تیمار وجین اشاره کرد (جدول ۲). بیشترین و کمترین ارتفاع بوته پنبه بین غلظت های مختلف علف کش به ترتیب، مربوط به تیمار ۲۰ گرم و ۱۰ گرم در هکتار علف کش انوک و با اعداد ۹۱/۲۶ و ۸۷/۲۷ سانتی متر بود (جدول ۴). بین غلظت های مختلف علف کش، غلظت ۲۰ گرم انوک در هکتار موجب کاهش ۵۰/۴۲ درصدی علف های هرز شد. غلظت ۱۵ گرم در هکتار و ۱۰ گرم در هکتار با ۳۴/۶۴ درصد و ۱۹/۷۳ درصد کاهش تراکم، در رتبه های بعدی قرار گرفتند (جدول ۲). کنترل علف های هرز با استفاده از ۲۰ گرم انوک در هکتار موجب حذف رقابت و افزایش دسترسی پنبه به منابع غذایی شده و امکان رشد بیشتر بوته های پنبه را موجب شد (جدول ۲). در آزمایش کیلی و تولن (۲۵) نیز ارتفاع پنبه در کرت های آلوده به علف های هرز در مقایسه با کرت هایی که سه هفته عاری از علف هرز نگه داشته شدند، کمتر بود. علف های هرز باعث افزایش مدت رقابت بر سر منابع و کاهش منابع قابل دسترس برای پنبه شده و در نهایت باعث کاهش اندام رویشی و ارتفاع، در پنبه می شوند (۱۱ و ۲۹). برخی گزارش ها نشان می دهند در اثر مصرف تری فلوکسی سولفورون سدیم، کوتولگی و تولید کلروز بین رگبرگ ها و تولید رنگ قرمز در پنبه مشاهده می شود، البته این علائم پس از ۲ تا ۳ هفته از بین رفته و تاثیر منفی بر محصول نخواهد داشت (۳۳). سلیمی و بازوندی (۶) گزارش کردند که تمامی تیمارهای انوک، بیش از ۹۰ درصد در افزایش ارتفاع بوته های پنبه در مقایسه با تیمار شاهد بدون کنترل علف هرز تاثیر داشتند. آن ها دلیل این امر را تاثیر تیمارهای فوق بر

بخصوص که با بالا بودن دما در دوره پس از کاربرد علف کش (علف کش های ALS نیاز به دوره طولانی دارند تا اثر نمایند) احتمال بی اثر شدن آن توسط علف های هرز ۴ کرنبه نیز وجود دارد (۴۰). از طرفی وجود بقایای گیاهی نیز موجب تقویت بانک بذر علف هرز شده و شرایط را برای رشد آنها بیشتر فراهم می کند و کاهش کارایی علف کش را به دنبال دارد. کاهش خاکورزی در کشاورزی حفاظتی باعث می شود تا برخی از علف های هرز بهتر بتوانند رشد کنند. در جدول ۳ و ۴ صفات مورد ارزیابی پنبه در سیستم های مختلف خاکورزی تحت کنترل علف های هرز مورد آزمایش ارائه شده است. **ارتفاع بوته:** اثر خاکورزی بر صفت ارتفاع بوته پنبه در سطح احتمال ۵ درصد معنی دار شد (جدول ۳). ارتفاع بوته های پنبه در سیستم بی خاکورزی و کم خاکورزی در مقایسه با خاکورزی مرسوم، به ترتیب، ۲۱/۵۴ و ۲۱/۲۱ درصد افزایش یافت. این تفاوت احتمالا ناشی از حضور بقایای گیاهی در سطح خاک در کم خاکورزی و بی خاکورزی پنبه بود. مطابق جدول ۱، تراکم اولیه علف های هرز در خاکورزی حفاظتی (کم و بی خاکورزی) در یک گروه آماری قرار داشته و کمتر از خاکورزی مرسوم بود. با افزایش تراکم علف های هرز تاثیر نامطلوب آنها بر روی گیاهان زراعی افزایش میابد. تراکم پایین علف های هرز در ابتدای فصل رشد باعث شد تا بوته پنبه فضای بیشتری برای رشد داشته باشند. قادری فر و همکاران (۹) در آزمایشی در ایستگاه های تحقیقات پنبه کارکنده و هاشم آباد گرگان گزارش کردند که بین سیستم های مختلف خاکورزی از لحاظ ارتفاع بوته تفاوت معنی داری وجود داشت و ارتفاع بوته در سیستم کم خاکورزی (چیزل + دیسک) بیشتر از خاکورزی مرسوم و بی خاکورزی بود. از طرفی در این تحقیق بین تیمارهای مربوط به کنترل علف هرز نیز اختلاف

روی کنترل علف‌های هرز بیان کردند. بورک و همکاران (۱۷) بیشترین میزان خسارت تری فلوکسی سولفورون سدیم به پنبه بعد از ۴ تا ۷ روز از انجام تیمار ۷۴ تا ۷۸ درصد و کمترین مقدار آن را ۱۶ درصد گزارش کردند، درحالی‌که بعد از ۶۲ روز از انجام تیمار آثاری از خسارت مشاهده نشد.

تعداد شاخه های رویا و زایا و طول شاخه رویا: بین تیمارهای مختلف خاکورزی از نظر تعداد شاخه رویا و زایا اختلاف معنی‌داری وجود داشت (جدول ۳). بیشترین و کمترین تعداد شاخه رویا و زایا به ترتیب در کم‌خاکورزی به میزان ۲/۵۲ و ۱۵/۷۹ و در خاکورزی مرسوم به میزان ۱/۸ و ۱۲/۸۲ مشاهده شد (جدول ۴). تیمار کم‌خاکورزی و بی‌خاکورزی در مقایسه با خاکورزی مرسوم، به ترتیب ۳۸/۸۱ و ۳۵/۵۱ درصد افزایش در تعداد شاخه رویا را نشان داد. تعداد شاخه زایا در تیمارهای فوق نسبت به خاکورزی مرسوم، به ترتیب ۲۳/۴۸ و ۱۱/۹۷ درصد افزایش داشت. تراکم پایین علف‌های هرز در طی فصل رشد در سیستم کم و بی‌خاکورزی نسبت به خاکورزی مرسوم بعنوان عاملی در رشد بهتر بوته‌های پنبه بود (جدول ۱). بین تیمارهای مختلف کنترل علف‌هرز، نیز بدین لحاظ اختلاف معنی‌داری وجود داشت (جدول ۳). تعداد شاخه رویا در تیمار عدم کنترل علف‌هرز نسبت به وجین ۶/۳۲ درصد کاهش یافت. همان‌طور که در جدول ۲ مشخص است کمترین تراکم علف‌های هرز در تیمار عدم کنترل مشاهده شد و حضور علف‌های هرز به عنوان یک عامل تنش‌زا در این کرت محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد که با عقب افتادن زمان سبز شدن علف‌های هرز در اثر یک دوره حذف آن‌ها (وجین)، گیاه زراعی فرصت نمو و توسعه شاخه‌های فرعی را

می‌یابد (۱۴). براتی محمودی و همکاران (۱) در آزمایشی که در سال ۱۳۸۶ در مزرعه تحقیقاتی دانشکده کشاورزی بیرجند انجام دادند، گزارش کردند در تیمار تداخل تمام فصل علف‌های هرز، رقابت علف‌های هرز با محصول و پر کردن فضاهای خالی از تشکیل و توسعه تعداد شاخه‌های جانبی پنبه جلوگیری کرده و کمترین تعداد شاخه‌های جانبی (زایا و رویا) در بوته‌های پنبه را مربوط به تیمار شاهد بدون کنترل علف‌هرز معرفی کردند که کاهش معادل ۷۲ درصد نسبت به تیمار شاهد عاری از علف‌هرز در طول فصل رشد نشان داد. بین غلظت‌های مختلف علف‌کش اینوک، اختلاف معنی‌داری میان غلظت ۱۵ و ۲۰ گرم در هکتار اینوک با غلظت ۱۰ گرم مشاهده شد. سلیمی و بازوبندی (۷) گزارش کردند که تیمار اینوک با دوز ۲۰ گرم در هکتار با کنترل مطلوب علف‌های هرز، بیش از سایر دوزهای علف‌کش در افزایش تعداد شاخه‌های فرعی پنبه مؤثر بودند. طول شاخه رویا در سیستم کم‌خاکورزی (چیزل و دیسک) بیشتر از خاکورزی مرسوم و بدون خاکورزی گزارش شده است (۹). بین تیمارهای مختلف خاکورزی، از نظر طول شاخه رویا، اختلاف معنی‌داری وجود داشت (جدول ۳ و ۴). بیشترین طول شاخه رویا، مربوط به کم‌خاکورزی (۶۵/۷۶ سانتی‌متر) و کمترین آن، مربوط به خاکورزی مرسوم (۵۰/۸ سانتی‌متر) بود که درصد کاهش آن، معادل ۲۲/۷۴ درصد برآورد شد (جدول ۴). بیشترین طول شاخه رویا در تیمار وجین و کمترین آن در تیمار عدم کنترل و بعد از آن، تیمار ۱۰ گرم اینوک در هکتار نشان داده شد (جدول ۴). طول شاخه رویا در وجین و غلظت ۲۰ گرم اینوک نسبت به عدم کنترل، ۳/۰۸ و ۱/۵۵ درصد مشاهده شد.

جدول ۳- جدول تجزیه واریانس صفات مورد ارزیابی پنبه در روش‌های مختلف خاکورزی تحت کنترل علف‌های هرز

منابع تغییر	درجه آزادی	تعداد شاخه های رویا	تعداد شاخه زایا	طول شاخه رویا	ارتفاع	تعداد قوزه در بوته	وزن وش	عملکرد
S.O.V	df					هر قوزه (g)	وش (kg ha ⁻¹)	
تکرار	۳	۰/۰۶۲۴ns	۰/۷۲۴ns	۴/۵۳۶ns	۳/۹۱ns	۰/۷۹۹*	۰/۱۶*	۲۱۹۹۴/۵ns
خاکورزی	۲	۲/۰۶۲*	۳۶/۰۸*	۱۱۸۲/۸۹*	۱۸۳۳/۲۵*	۱۶/۸۳*	۴/۱۲*	۴۵۸۷۵۷۹/۲۶*
خطای اصلی	۶	۰/۰۲۵	۰/۷۸۷	۵/۲۶۲	۳/۵۹	۰/۲۱۹	۰/۱۷۲	۲۳۴۵۲
کنترل علف‌هرز X	۴	۰/۰۷۰*	۶/۸۸۳*	۵/۳۲۱*	۲۳۰/۲۷*	۴/۸۳۶*	۱/۵۴*	۳۴۱۲۶۵/۱۵*
خاکورزی	۸	۰/۰۳۹۹*	۰/۳۲۰ns	۵۴۱۰/۲ns	۷/۷۰ns	۰/۳۰ns	۰/۰۷۵ns	۳۵۲۱۴/۱۲ns
خطای فاکتور	۳۶	۰/۰۱۶	۰/۲۱	۰/۷۵	۷/۹۰	۰/۱۸	۰/۰۵۴۹	۸۴۵۷/۲

*- معنی‌داری در سطح احتمال ۵ درصد و ns غیر معنی‌داری

است که افزایش تعداد قوزه ها را بیشتر می توان ناشی از تعداد شاخه های جانبی در گیاه دانست و با توجه به همبستگی مثبت و معنی دار بین تعداد قوزه و تعداد شاخه های جانبی با افزایش شاخه های جانبی، تعداد مکان های تشکیل قوزه در روی این شاخه ها بیشتر می شود، لذا تعداد قوزه در بوته افزایش می یابد و متعاقب آن عملکرد بالا خواهد رفت. معمولاً شاخه های رویشی، در ناحیه معینی نزدیک پایه گیاه تشکیل می شود که تعداد شاخه های رویشی، بین گونه ها مختلف پنبه، به میزان قابل توجهی متفاوت است و عملیات زراعی، تعداد آن را تحت تاثیر قرار می دهد. کلیه شاخه های زا یا از محور برگ های رویشی منشاء گرفته و میزان تشکیل شاخه های زایشی به رشد رویشی بستگی دارد. با توجه به همبستگی که بین تعداد شاخه زا یا و عملکرد دیده می شود تیمارهایی که تعداد شاخه زایای بالایی دارند، عملکرد بالایی نیز دارند.

در آزمایش کهنسال و همکاران (۱۰) اگرچه کمترین تعداد قوزه مربوط به تیمار شاهد بدون کنترل در طول فصل رشد بود ولی بالاترین درصد قوزه باز شده هم مربوط به همین تیمار بود. آن ها حضور علف های هرز در مزرعه را به عنوان یک عامل تنش زا اعلام کردند بطوری که علف های هرز مانند تنش رطوبتی آخر فصل عمل کرده و به باز شدن قوزه ها کمک می کند ولی باعث کاهش تعداد شاخه های زایشی، تعداد کل قوزه ها و در نتیجه کاهش عملکرد محصول می شود. بقایای گیاهی بعنوان سرچشمه اصلی مواد آلی خاک محسوب می شوند، حضور بقایای در سیستم خاکورزی حفاظتی، حفظ رطوبت و بهبود ویژگی های فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی در سطح خاک باعث رشد بیشتر پنبه میشود.

تعداد قوزه در بوته و وزن وش هر قوزه: بین تعداد قوزه در سیستم های مختلف خاکورزی اختلاف معنی داری وجود داشت (جدول ۳ و ۴). بیشترین و کمترین تعداد قوزه به ترتیب در کم خاکورزی و خاکورزی مرسوم به میزان ۱۷/۰۳ و ۱۵/۲ گزارش شد (جدول ۴). رشد پنبه و تعداد قوزه ها در پنبه به مقدار رطوبت و مواد غذایی خاک بستگی دارد و از یک تا ۴۰ قوزه در هر بوته ممکن است تغییر نماید (۳). قادری فر و همکاران (۹) گزارش کردند که در سیستم کم خاکورزی (چیزل و دیسک) و بی خاکورزی در مقایسه با سیستم خاکورزی مرسوم تعداد قوزه در بوته بیشتری وجود داشت (۲۸).

بین تیمارهای مربوط به کنترل علف هرز، از نظر تعداد قوزه و وزن وش در هر قوزه اختلاف معنی دار وجود داشت. مطابق جدول ۴، بیشترین تعداد قوزه و وزن وش در قوزه ها در تیمار وجین، به ترتیب ۱۶/۷۸ و ۵/۶۸ بود. تیمار وجین در مقایسه با تیمار عدم کنترل، به ترتیب ۵/۸ و ۱۹/۲۱ درصد افزایش در تعداد قوزه و وزن وش در قوزه ها داشت. سلیمی و همکاران (۶) گزارش کردند که خسارت کمی علف های هرز بیشتر بر اثر کاهش تعداد قوزه پنبه در هر بوته بوجود می آید تا درصد قوزه های باز شده یا ارتفاع بوته. مطابق جدول ۴، تعداد شاخه های رویا و زا یا در تیمار های وجین و غلظت های مطلوب اینوک (۱۵ و ۲۰ گرم در هکتار) از تیمار عدم کنترل بیشتر بود و متعاقب آن تعداد قوزه و وزن وش در قوزه نیز بیشتر مشاهده شد. تعداد قوزه و وزن وش در قوزه ها در تیمار ۲۰ گرم در هکتار اینوک، به ترتیب ۹/۰۳ درصد و ۱۳/۴۶ درصد نسبت به تیمار عدم کنترل افزایش داشت.

برای تیمار محمودی و همکاران (۱) بیان کردند با توجه به اینکه در پنبه شاخه های زایشی حامل بخش عمده عملکرد می باشند، طبیعی

جدول ۴- مقایسه میانگین صفات مورد ارزیابی پنبه در روش های مختلف خاک ورزی تحت کنترل علف های هرز

روش خاکورزی	تعداد شاخه رویا	تعداد شاخه زایا	طول شاخه رویا	ارتفاع بوته	تعداد قوزه در بوته	وزن وش در قوزه در هر بوته (g)	عملکرد وش (kg ha ⁻¹)
خاکورزی مرسوم	۱/۸۰c	۱۲/۸۲c	۵۰/۸۰a	۷۷/۵۴b	۱۵/۲۰c	۴/۶۵b	۵۷۹۲/۱c
بی خاکورزی	۲/۳۷b	۱۴/۳۶b	۶۳/۵۷b	۹۴/۲۵a	۱۶/۰۴b	۵/۵۰a	۷۱۷۰/۳b
کم خاکورزی	۲/۵۰a	۱۵/۸۳a	۶۵/۷۶a	۹۴/۰۰a	۱۷/۰۳a	۵/۳۷a	۷۵۵۱/۰۹a
LSD (۰/۰۵)	۰/۱۲۳	۰/۶۸۶	۱/۷۷۵	۱/۴۶	۰/۳۶۲	۰/۳۲۱	۱۰۱/۹۶
۱۰ گرم انوک	۲/۱۲c	۱۴/۰۵c	۵۹/۶۷bc	۸۷/۶۷c	۱۵/۸۶b	۴/۶۲d	۶۰۵۱/۸d
۱۵ گرم انوک	۲/۲۴fab	۱۴/۴۹b	۵۹/۹۲bc	۸۹/۸۹bc	۱۶/۱۵b	۵/۱۴c	۶۹۸۲/۵c
۲۰ گرم انوک	۲/۲۸a	۱۴/۶۸b	۶۰/۲۲b	۹۱/۲۶ab	۱۶/۵۱a	۵/۴۰b	۷۱۰۱/۱۲b
وجین	۲/۳۱a	۱۵/۲۳a	۶۱/۱۳a	۹۲/۶۷a	۱۶/۷۸a	۵/۶۸a	۷۵۰۴/۹۸a
عدم کنترل	۲/۱۶bc	۱۳/۲۲d	۵۹/۳c	۸۱/۴۹d	۱۵/۱۴c	۴/۶۷d	۵۹۶۸/۷۵e
LSD(۰/۰۵)	۰/۱۱	۰/۳۸	۰/۷۲۰۹	۲/۳۲۸	۳۵۱/۰	۱۹۴/۰	۹۷/۵۷

۲۵/۷۳ درصد کاهش عملکرد داشت. دلیل کاهش عملکرد در حضور علف‌های هرز موید آن است که با ورود علف‌های هرز به دلیل سایه اندازی و افزایش ارتفاع ناشی از رقابت و به تبع آن رشد رویشی بیشتر، مواد فتوسنتزی به بخش رویشی هدایت شده، سهم بخش زایشی در چنین شرایطی کاهش خواهد یافت (۸). عملکرد در تیمار دوز ۲۰ گرم در هکتار انوک نسبت به تیمار عدم کنترل علف‌های هرز، ۱۵/۹۴ درصد افزایش داشت که این افزایش عملکرد را می‌توان به ۵۰/۴۲ درصد کاهش تراکم علف‌های هرز با استفاده از ۲۰ گرم انوک در هکتار مرتبط دانست. براتی محمودی و همکاران (۱) گزارش کردند در بین تیمارهایی که فقط از یک علف‌کش برای کنترل علف‌های هرز استفاده شده بود بیشترین عملکرد و ش مربوط به تیمار علف‌کش انوک + سیتوگیت (دوز ۲۰ گرم در هکتار) بود و استفاده از سیتوگیت به همراه علف‌کش، باعث جذب بهتر آن در علف‌های هرز شده و در نتیجه رقابت آن‌ها را با گیاه زراعی کاهش و به دنبال آن عملکرد پنبه را افزایش داد.

نتیجه‌گیری

به طور کلی نتایج این تحقیق نشان داد که عملکرد پنبه بعد از گندم به عنوان کشت دوم در سیستم‌های کم‌خاکورزی بیشتر از خاکورزی مرسوم بود. بنابراین می‌توان سیستم‌های خاکورزی حفاظتی را با مطالعات جامع‌تر جایگزین سیستم‌های خاکورزی مرسوم کرد. همچنین عملکرد و ش در سیستم بدون شخم در مقایسه با سیستم‌های کم‌خاکورزی و خاکورزی مرسوم کمتر بود اما این نکته قابل توجه است که با این که عملکرد در این سیستم کمتر از سیستم‌های خاکورزی دیگر می‌باشد اما هزینه‌های زراعی این سیستم در مقایسه با سیستم خاکورزی مرسوم کمتر است. توصیه می‌شود آزمایش روی ارقام مختلف پنبه و بعنوان کشت دوم بعد از محصولات مختلف تکرار شود.

عملکرد و ش: در سیستم‌های مختلف خاکورزی از نظر عملکرد و ش، اختلاف معنی‌داری وجود داشت (جدول ۳). بیشترین عملکرد مربوط به کم‌خاکورزی (۷۵۵۱/۰۹ کیلوگرم در هکتار) و کمترین آن، مربوط به خاکورزی مرسوم (۵۷۹۲/۱ کیلوگرم در هکتار) بود (جدول ۴). کم بودن تراکم علف‌های هرز در روش کم‌خاکورزی و بی‌خاکورزی نسبت به خاکورزی مرسوم در طی فصل رشد، کاهش رقابت و افزایش فضای مورد نیاز برای رشد گیاه زراعی پنبه، عواملی بودند که در افزایش عملکرد دو سیستم خاکورزی نسبت به خاکورزی مرسوم موثر واقع شدند. قادری فر و همکاران (۹) گزارش کردند عملکرد و ش در سیستم‌های مختلف خاکورزی با یکدیگر متفاوت بود بطوری که عملکرد و ش در سیستم‌های کم‌خاکورزی بیشتر از خاکورزی مرسوم بود و در سیستم بی‌خاکورزی در مقایسه با سایر سیستم‌های خاکورزی در حدود ۲۰۰-۴۰۰ کیلوگرم در هکتار کمتر بود و علت کم بودن عملکرد در روش بی‌خاکورزی در مقابل روش کم‌خاکورزی را، استقرار ضعیف‌تر گیاهچه‌های پنبه در شرایط بدون شخم و زیاد بودن بقایای گیاهی معرفی کردند. رایت و همکاران (۳۴) بیان داشتند که علت افزایش عملکرد پنبه در سیستم‌های کم‌خاکورزی در مقایسه با خاکورزی مرسوم قابلیت دسترسی بیشتر به فسفر و نیترات در سطح خاک می‌باشد. بین تیمارهای مختلف کنترل علف‌هرز، از نظر عملکرد اختلاف معنی‌داری مشاهده شد (جدول ۴). اثر کنترل علف‌هرز بر عملکرد پنبه معنی‌دار بود (جدول ۳). بیشترین عملکرد، مربوط به تیمار وجین (۷۵۰۴/۹۸ کیلوگرم در هکتار) و کمترین عملکرد در تیمار عدم کنترل علف‌های هرز (۵۹۶۸/۷۵ کیلوگرم در هکتار) مشاهده شد (جدول ۴). کاهش تراکم علف‌های هرز در تیمار وجین دستی، باعث کاهش رقابت بر سر آب و مواد غذایی بین علف‌های هرز و گیاه پنبه شد (جدول ۲). مطابق جدول ۲ بیشترین تراکم علف‌های هرز در طی فصل رشد مربوط به تیمار عدم کنترل علف‌هرز بود و تیمار عدم کنترل در مقایسه با تیمار وجین،

منابع

- ۱- براتی محمودی، ح.، م. جامی‌الاحمدی، م. ح. راشد محصل، س. محمودی، و ن. شیخ‌زاده محمدآبادی. ۱۳۸۸. تأثیر مدیریت تلفیقی (مکانیکی + شیمیایی) بر تراکم و وزن خشک علف‌های هرز همراه با معرفی علف‌کش جدید انووک در مزارع پنبه بیرجند. نشریه پژوهش‌های زراعی ایران.
- ۲- خواجه پور، م. ر. ۱۳۸۵. گیاهان صنعتی. پنبه. چاپ دوم. جهاد دانشگاهی واحد صنعتی اصفهان. اصفهان.
- ۳- رستگار، م. ۱۳۸۴. زراعت گیاهان صنعتی. انتشارات برهمند. مشهد.
- ۴- زند، ا. ح. رحیمیان، ع. کوچکی، ک. موسوی، ج. خلقانی، و ک. رضائی. ۱۳۸۳. اکولوژی علف‌های هرز، کاربردهای مدیریتی (ترجمه). انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد.
- ۵- زند، ا. ح. موسوی، و ا. حیدری. ۱۳۸۷. علفکش‌ها و روش‌های کاربرد آنها با رویکرد بهینه‌سازی و کاهش مصرف. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. مشهد.
- ۶- سلیمی، ح.، م. اخوان، م. یونس آبادی، و م. ریوند. ۱۳۸۴. بررسی کارایی علف‌کش جدید انووک (Trifloxysulfuron sodium) در کنترل

- علف‌های هرز مزارع پنبه (*Gossypium hirsutum*). مجموعه مقالات اولین همایش علوم علف‌های هرز ایران.
- ۷- سلیمی، ح.، م. بازوبندی، م. یونس آبادی، و م. ع. باغستانی. ۱۳۸۸. بررسی کارایی علف‌کش‌های انتخابی مزارع پنبه. مجله دانش علف‌های هرز.
- ۸- صفاهیان لنگرودی، ع.، ب. کامکار، ا. زند، ن. باقرانی، و م. باقری. ۱۳۸۶. واکنش عملکرد و اجزای عملکرد دانه ارقام مختلف کلزا (*Brassica napus* L.) در شرایط رقابت با علف‌هرز خردل وحشی (*Sinapis arvensis* L.) در گرگان. مجله علوم زراعی ایران.
- ۹- قادری فر، ف.، ع. قجری، ح. ر. صادق نژاد، و ع. قرنجهیکی. ۱۳۹۰. اثرات سیستم‌های خاک‌ورزی بر عملکرد پنبه بعد از کلزا در گرگان. نشریه پژوهش‌های زراعی ایران.
- ۱۰- کهنسال، ا.، م. رضائی مقدم قربانی، ر. سلیمی، ح. روستانژاد، و م. میرعلوی. ۱۳۸۶. اثر کنترل مکانیکی و شیمیایی علف‌های هرز بر تراکم و بیوماس علف‌های هرز چندساله در پنبه، مجموعه مقالات دومین همایش علوم علف‌های هرز ایران ۲: ۳۰۶-۳۱۱.
- ۱۱- موسوی، م. ۱۳۸۰. مدیریت تلفیقی علف‌های هرز (اصول و روش‌ها). انتشارات نشر میعاد. اصفهان.
- ۱۲- موسوی، ک.، ا. زند، و ح. صارمی. ۱۳۸۴. علف‌کش‌ها (کارکرد فیزیولوژیک و کاربرد). انتشارات جهاد دانشگاهی زنجان. زنجان.
- ۱۳- میرزایی تالار پشته‌ی، ر.، م. بنایان اول، م. نصیری محلاتی، و م. رستمی بروجنی. ۱۳۸۱. اثرات رقابتی علف‌هرز تاج خروس (*Amaranthus retroflexus*) بر عملکرد و اجزای عملکرد ذرت دانه ای (*Zea mays*). مجله علوم و صنایع کشاورزی.
- ۱۴- هادی‌زاده، م.، ل. علی‌مرادی، و م. فریدون پور. ۱۳۸۴. ارزیابی علف‌کش‌های گروه سولفنیل‌اوره در ذرت دانه ای. مجموعه مقالات اولین همایش علف‌های هرز ایران.
- 15- Adeoti, A. A., J. O. Oguriwole, and B. A. Raji. 1998. Response of cotton to different tillage methods in northern Nigeria. Abstr. Book, 2th. World Cotton Res.
- 16- Blaise, D., and C. D. Ravindran. 2003. Influence of tillage and residue management on growth and yield of cotton grown on a Vertisol over 5 years in a semi-arid region of India. Soil. Tillage Res. 70: 163-173.
- 17- Burke, I. C., and J. W. Wilcut. 2004. Weed management in cotton with CGA 362622, fluometuron, and pyriithiobac. Weed Technol. 18: 268- 276.
- 18- Crooks, H. L., A. C. York, A. S. Culpepper, and C. Brownie. 2003. CGA 362622, Antagonizes annual grass control by graminicides in cotton (*Gossypium hirsutum*). Weed Technol.17: 373-380.
- 19- Chauhan, B. S., G. Gill, C. Preston. 2006. Tillage systems affect trifluralin bioavailability in soil. Weed Sci. 54, 941-947.
- 20- Chauhan, B. S., D. E. Johnson. 2010a. Implications of narrow crop row spacing and delayed Echinochloa colona and Echinochloa crus-galli emergence for weed growth and crop yield loss in aerobic rice. Field Crops Res. 117, 177-182.
- 21- Feng Y., A. C. Motta, D. W. Reeves, C. H. Burmester, E. Van Santen, and J. A. Osborne. 2003. Soil microbial communities under conventional-till and no-till continuous cotton systems. Soil Tillage Res. 35: 1693-1703.
- 22- Fao. 2011. Food and agricultural commodities production.(On-line). <http://faostat.fao.org/site/339/default.aspx>. (Visited 20 April 2011).
- 23- Gemtos, T. A., S. Galanopoulou, and C. Kavalari. 1998. Wheat establishment after cotton with minimal tillage. Eur. Agron. J. 8: 137-147.
- 24- Hulugalle, N. R., D. B. Nehl, and T. B. Wearer. 2003. Soil properties and cotton growth, yield and fiber quality in three cotton-based cropping systems. Soil and Tillage Res.75: 131-141.
- 25- Jacobs, C. O., and W. R. Harrel. 1983. Agricultural power and machinery. Mc Grow Hill Book Companies. New York.
- 26- Kaddah, M. T. 1997. Conservation tillage in the Southwest Available from "Conservation Tillage" Problems and Potentials" Special Publication. Soil Sci. 21: 57-62.
- 27- Keeley, P. E., and R. J. Thullen. 1989. Growth and interaction of Johnson-grass (*Sorghum halopense*) with cotton (*Gossypium hirsutum*). Weed Sci. 37:339-344.
- 28- Kropff, M. J., and P. Lotz. 1992. System approaches to quantify crop-weed interactions and their application in weed management. Agri. Res. 40:265-82.
- 29- Limousin, G., and D. Tessier. 2007. Effects of no-tillage on chemical gradients and topsoil acidification. Soil. Tillage. Res. 92: 167-174.
- 30- Mert, M., E. Y. Aslan, R. Akiscan, and M. E. Caliskan. 2006. Response of cotton to different tillage systems and in tra-row spacing. Soil. Tillage. Res. 85: 221-228.
- 31- Mortensen, D. A., and J. A. Dieleman. 1998. Why weed patches persist: dynamics of edges and density. Precision weed management in crops and pastures. 5-6 May, 1998, Wagga Wagga, Australia. 154 pp.

- 32- Murry, D. S., M. L. Wood, J. C. Banks, L. M. Verhalen, and K. B. Anderson. 2002. Johnsongrass (*Sorghum halopense*) density effect on cotton (*Gossypium hirsutum*) harvest and economic value. *Weed Technol.* 16: 495-501.
- 33- Porterfield D., J. W. Wicut, S. B. Clewis., and K. L. Edmisten. 2002. Weed free yield response of seven cotton (*Gossypium hirsutum*) cultivars to CGA362622 post emergence. *Weed Technol.* 16: 180- 183.
- 34- Richardson, R. J., H. P. Wilson, and T. E. Hines. 2007. Pre emergence herbicides followed By Triflurysulfuron poste mergence in cotton. *Weed Technol.* 21: 1-6
- 35- Richardson, R. J., H. P. Wilson, G. R. Armel, and T. E. Hines. 2004. Influence of Adjuvants (surfactant) on cotton (*Gossypium hirsutum*) response to post emergence applications of CGA362622. *Weed Technol.* 18: 9- 15.
- 36- Vanderhoven, C. 2002. Managing cotton weeds with new herbicide technologies. *The Australian Cotton Grower*, 74-75.
- 37- Wright, A. L., F. M. Hons, R. G. Lemon, M. L. McFarland, and R. L. Nichols. 2007. Stratification of nutrients in soil for different tillage regimes and cotton rotations. *Soil Tillage Res.* 96: 19-27.
- 38- Wilcut, J. W., A. C. York, and D. L. Jordan. 1995. Weed management systems from oil seed crops. In A. E. Smith, ed. *Handbook of Weed Management Systems*. New York.
- 39- Waddell, J. T., and R. R. Weil. 2006. Effects of fertilizer placement on solute leaching under ridge tillage and no tillage. *Soil Tillage Res.* 90: 194-204.
- 40- Wills, G. D. 1984. Toxicity and translocation of sethoxydin in bermudagrass (*Cynodon dactylon*) as affected by environment. *Weed Sci.* 32:20-24.